امتیاز

یک‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰
۴ شوال ۱۴۴۲ ● ۱۶ می ۲۰۲۱
شماره ۳۲۰۰ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

آغاز اجرای مجدد سه نمایش در مجموعه تئاتر شهر

به نقل از روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، تاریخ شروع اجرای مجدد سه اثر نمایشی که از فروردین ماه سال جاری در تالارهای تئاتر شهر به صحنه رفته اما به دلیل تغییر شرایط کرونایی شهر تهران به وضعیت بحرانی، اجرای خود را متوقف کردند، بر مبنای اعلام آمادگی هر سه گروه و پس از مصوبه اخیر ستاد ملی مقابله کرونا برای از سرگیری فعالیت گروه های مشاغل ۱ و ۲ اعلام شد.

اجرای این سه اثر نمایشی در حالی است که نحوه فروش بلیت و حضور تماشاگران در تالارهای نمایشی با در نظر گرفتن ظرفیت پنجاه درصدی تالارها و موارد مربوط به فاصله گذاری براساس شیوه نامه های بهداشتی صورت می گیرد. از روز سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه نمایش «کنسرت مرگ گرم» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی محمدرضا عطایی فر ساعت ۱۸ به مدت زمان ۹۰ دقیقه و قیمت بلیت ۴۰ هزار تومان اجرای خود را در تالار قشقایی تئاتر شهر آغاز می کند.

گروه بازیگران این نمایش (به ترتیب اپیزود): اپیزود یک: زری اماد، محسن زرابادی، اپیزود دو: مهتاب باجلان، علی حیدری، دانیال بلوری، اپیزود سه: محمدهادی عطایی، خسرو کشاورز، محمدباقر صفانور، بیتا شیری، اپیزود چهار: حسین میرزاییان، محمدرضا عطایی فر، الهه جوانمهر، اپیزود پنج: علی یعقوب زاده، الناز مکاری، اپیزود شش: زری اماد، رعنا حسین دخت، رهام شریفی، اپیزود هفت: محمد آسایشلو، مهدی اشتری، فائزه رجبی، احسان حاجیان، پرنیا عسگری، بیتا شیری، سپهر صفرخانی، سهیل صفرخانی، آرمین میرزایی، پارسا شیرازیان، علیرضا عرب، علیرضا اسلامی گیلانی هستند.

روایت داستانی نمایش «کنسرت مرگ گرم» از دهه چهل آغاز شده و تا دهه ۱۴۰۰ ادامه خواهد یافت. این نمایش به صورت داستان گو در هفت اپیزود با زبان موسیقی، رخدادهای مهم هر دهه را روی صحنه روایت می کند.

«مِرفی» عنوان دیگر نمایش مجموعه تئاتر شهر است که از روز سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر به نویسندگی سپیده ضیایی و کارگردانی نگین ضیایی پیش روی مخاطبان قرار می گیرد.

در این نمایش که ساعت ۱۸:۴۵ با مدت زمان ۶۰ دقیقه و قیمت بلیت ۳۰ هزار تومان روی صحنه می رود، (به ترتیب حروف الفبا) حامد ادواي، نیما انصافیان، ساجده حمیدی منزه، شادی ضیایی، رضا مرشد، امین موحدی پور به عنوان بازیگر حضور دارند.

در خلاصه نمایش آمده است: در عین حال که نمیشه انتظار داشت اوضاع بهتر بشه، دست کم لزومی نداره واهمه داشته باشیم که چیزی بدتر بشه. اوضاع همیشه همونطور که هست باقی می مونه. به این ترتیب، خارج از وجود خود مِرفی، دست کم پنج نفر به مِرفی نیاز دارن.

در تالار چهارسو تئاتر موزیکال «جنگ و صلح» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی میثم یوسفی از روز پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت ساعت ۱۹ به مدت زمان ۴۰ دقیقه و قیمت بلیت ۴۰ هزار تومان روی صحنه می‌رود.

شاهین علایی نژاد، مهناز غمخوار، محمد صمدی، مصطفی ایزدی، پریسا فلاح زاده، مرتضی حقی، هومن قاسم خانی، هانیه مهر افزون، زهرا دوستی گروه بازیگران و بازی دهندگان نمایش را تشکیل می دهند.

در خلاصه داستان تئاتر موزیکال «جنگ و صلح» آمده است: «در مجلس بزمی دو خانواده سازهای سنتی (ایرانی) و کلاسیک (فرنگی) در حال اجرای موسیقی هستند که دو ساز جوان کمانچه از خانواده سازهای ایرانی و چنگ از خانواده سازهای کلاسیک رخ در رخ یکدیگر قرار گرفته و یک دل نه صد دل عاشق و واله و شیفته یکدیگر می شوند اما با توجه به اختلافات بین فرهنگی و خانوادگی شان با ممنوعیت خانواده هایشان مواجه می شوند.»

به بهانه انتصاب مجدد ریاحی؛

معمای گزینه‌های تکراری دبیری «موسیقی فجر»

حسن ریاحی دبیر جشنواره موسیقی فجر شد. این جمله خبری یکی از تکراری‌ترین تیترهای این چند ساله معاونت امور هنری و دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که از آغاز به کار فعالیت‌های دولت یازدهم و دوازدهم و حتی دولت‌های قبلی توسط روابط عمومی یا ستاد خبری مجموعه‌های مرتبط با رویداد موسیقی فجر پیش روی اهالی رسانه و هنرمندان و فعالان حوزه موسیقی کشور قرار گرفته و متاسفانه روند تکراری این گرایش و طرز تفکر مدیران برگزاری مهم‌ترین رویداد موسیقی کشور ماجرا را به سمتی برده که جشنواره موسیقی فجر به دلیل کارکرد کاملاً خنثای حسن ریاحی و هنرمندان دیگر تبدیل به یکی از بی‌رمق‌تری و کم‌ارزش‌ترین رویدادهای ملی مرتبط با حوزه موسیقی کشور شود.

این شرایط به طور حتم در جشنواره‌هایی چون تئاتر، فیلم و هنرهای تجسمی فجر هم گاه و بیگاه تجربه شده اما به دلیل برخی آسیب‌شناسی هایی که در این زمینه توسط کارشناسان، اهالی رسانه، منتقدان، هنرمندان و حتی دست‌اندرکاران برگزاری این جشنواره‌ها صورت گرفته، حداقل ماجرای برگزاری این رویدادهای مهم را در چارچوبی هدایت کرده که هنوز از این جشنواره‌ها با تمام کم و کاستی‌هایش می‌توان به عنوان موثرترین و باکیفیت‌ترین جشنواره‌های هنری کشور یاد کرد.

بدون تردید حسن ریاحی به عنوان یک هنرمند پیشکسوت و صاحب نظر در حوزه‌های دانشگاهی، پژوهشی و آهنگسازی یکی از مهم‌ترین و معتبرترین عناوین هنری در حوزه موسیقی کشورمان است که چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ اخلاقی یکی از بهترین‌های موسیقی این مرز و بوم محسوب می‌شود، اما این چه سیاست نانوشته و مبهمی است که دست‌اندرکاران برگزاری ادوار مختلف جشنواره موسیقی فجر به ویژه طی سال‌هایی که از فعالیت‌های دولت‌های یازدهم و دوازدهم می‌گذرد، غیر از گزینه‌هایی چون حسن ریاحی و شاهین فرهت به افراد دیگری برای دبیری جشنواره مهم و معتبر موسیقی فجر فکر نمی‌کنند؟

اگرچه از سال ۱۳۹۲ و آغاز دوره بیست و نهم جشنواره موسیقی فجر تا به امروز که در آستانه برگزاری سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر هستیم، افراد و هنرمندان دیگری هم به عنوان گزینه دبیری یا مدیریت جشنواره موسیقی فجر معرفی شده‌اند، اما آمار همین چند دوره اخیر نشان دهنده رکوردشکنی حسن ریاحی و شاهین فرهت در عنوان دبیر جشنواره موسیقی فجر است که اصلاً مشخص نیست این دو هنرمند چه مولفه‌های مدیریتی و اجرایی برای مدیریت، سیاستگذاری و طراحی و اجرای جشنواره موسیقی فجر دارند که دولتمردان در این سال‌ها و حتی سال‌های گذشته به این دو گزینه بیشتر از هر هنرمند دیگری برای دبیری یک رویداد مهم فکر می‌کند.

البته در این میان بسیاری از کارشناسان، اهالی رسانه و هنرمندان در فواصل زمانی مختلف در محافل غیر رسانه‌ای و غیر رسمی عنوان می‌کنند که علاقه فراوان مسئولان عالی رتبه جشنواره موسیقی فجر برای انتخاب این دو هنرمند به ویژه حسن ریاحی، سیاست‌های خنثی و بدون اعتراضی است که هر دوی این هنرمندان طی این سال‌ها از خود برای برگزاری جشنواره موسیقی فجر بروز داده‌اند. کما اینکه این سیاست‌های خنثی تا جایی پیش رفته که در بسیاری از مواقع از نحوه برگزاری بخش‌های مختلف جشنواره خبری نداشتند و فقط به عنوان دبیر جشنواره بسنده و مدیریت اجرایی امور را به افراد دیگر واگذار کردند. آنچنان که بارها و بارها در نشست‌های رسانه‌ای وقتی خبرنگاران از این دو هنرمند معتبر و شناخته شده موسیقی کشورمان درباره بخش‌های مختلف جشنواره و حتی موارد اداری دیگری چون آیین نامه و مسائلی دیگر پرسش‌هایی را مطرح می‌کردند، حسن ریاحی و شاهین فرهت یا از نحوه اجرای بخش‌ها اظهار بی اطلاعی می‌کردند یا ماجرای پاسخگویی را به سمت افراد دیگر حاضر در نشست ارجاع می‌دادند.

به هر حال معرفی مجدد حسن ریاحی برای دبیر سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر از سوی وزارت ارشاد، بار دیگر نشان دهنده فقدان سیاستی اجرایی و منظم برای هرچه بهتر برگزار کردن جشنواره موسیقی فجر با وجود تغییر بدون تاثیر آیین نامه و موارد دیگر است که در گذشته‌های نه چندان دور دارای اعتبار و امتیاز ویژه‌ای نزد هنرمندان برخوردار بود اما هم اکنون به غیر از چند دوره خاص که اتفاقاً حسن ریاحی و شاهین فرهت به عنوان دبیر در آن حضور نداشتند، تبدیل به جشنواره‌ای کاملاً خنثی و باری به هر جهت شده که نمی‌توان دورنمای روشنی را برای آن تصور کرد. این در حالی است که تغییر تقریباً بی سروصدای آیین نامه جشنواره موسیقی فجر، تغییر کلیدواژه‌های مرتبط با شوراهای سیاستگذاری و عدم پاسخگویی مناسب و دقیقی مدیران وزارت ارشاد پیرامون این موضوع و صدها نکته دیگری که طی سالهای اخیر درباره آن به صورت متعدد صحبت شده نشان دهنده یک عقب‌گرد کامل مدیریت جشنواره‌ای است که گویا سند آن به نام حسن ریاحی یا شاهین فرهت ثبت شده و کسی هم فعلاً جایگاهی در آن ندارد.

اکنون به نظر می‌رسد معاونت امور هنری و دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد هر چه زودتر به فکر پاسخگویی و واکنشی منطقی برای انتخاب حسن ریاحی به عنوان دبیر جشنواره موسیقی فجر باشد که کارنامه فعالیت‌های او در عرصه مدیریت جشنواره نشان داده که غیر از چند مورد انگشت شمار، کارنامه پربار و مثبتی نیست و اگر ماجرای این رویداد را با ارائه آمارهای کمی توجیه نکنیم باید این گونه اذعان کرد که ای کاش افراد معتبری چون حسن ریاحی به دلیل عملکرد ناموفق و کاملاً بی تاثیری که در مدیریت جشنواره موسیقی داشته‌اند از پذیرش مجدد چنین سمتی سرباز می‌زدند. مگر اینکه سیاستگذاران و مدیران وزارت ارشاد برای نحوه انتخاب این هنرمند توجیه قابل دفاعی غیر از آنچه در کاغذ و ارائه آمارهای آن‌چنانی می‌توان به آن اشاره کرد، برای این انتخاب داشته باشند.

سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قبال برگزاری جشنواره موسیقی فجر به دلایل حساسیت‌های موجود در این حوزه به طور حتم باید بسیار موشکافانه‌تر و دقیق‌تر از آنچه در حوزه‌هایی چون تئاتر و سینما اتفاق می‌افتد، صورت پذیرد. چرا که در این حوزه ملاحظاتی وجود دارد که روند آن بر هیچ اهالی رسانه و منتقدی پوشیده نیست، اما آنچه در این میان مورد توجه قرار گرفته انتخاب یک هنرمند به عنوان دبیر جشنواره در همین چارچوب است.

تجربه نشان داده تقریباً هیچ ایده اجرایی یا موفقی برای برگزاری جشنواره موسیقی فجر وجود نداشته و آنچه تاکنون حیات و ممات رویداد موسیقی فجر را به مرحله کما و مرگ نرسانده، چند اجرای انگشت شمار در حوزه‌های تخصصی موسیقی و اجراهای بخش موسیقی پاپ بوده که آن هم در حوزه تعداد مخاطب و از منظر اقتصادی توانسته پوشش دهنده رویدادی چون موسیقی فجر باشد و گرنه تاثیر چندانی در روند کلی ماجرا نداشته است.

مواردی که به آن اشاره شد، در حالی مطرح می‌شود که آمارهای ارائه شده در ادوار مختلف جشنواره موسیقی فجر هم نشان داده که ترکیب مدیریتی این رویداد ملی نیز هیچ گاه از روند خنثی و تکراری خود خارج نشده و یک تفکر تقریباً واحد شرایطی را برای یک جشنواره پدید آورده نه در برگیرنده نشاط ملی در ایام ملی است و نه پدید اورنده یک نیروی برانگیزاننده برای حضور هنرمندان صاحب نام عرصه موسیقی همچون جشنواره فیلم و تئاتر فجر است.

آنچه می‌خوانید نگاهی اجمالی به گروه مدیریتی جشنواره موسیقی فجر از دوره بیست و نهم تا دوره سی و هفتم است که گواهی برای اعمال نظر یک گروه ثابت در سیاستگذاری جشنواره است. سیاست‌هایی که غیر از مواردی انگشت شمار، چراغ جشنواره موسیقی فجر را به سمت خاموشی می‌رساند.

بیست و نهمین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۲): معاون هنری وزیر ارشاد: علی مراد خانی / مدیر دفتر موسیقی: پیروز ارجمند / دبیر جشنواره: حسن ریاحی – دبیر اجرایی: علی ترابی / شورای سیاستگذاری دوره بیست و نهم: علی مرادخانی، پیروز ارجمند، حسن ریاحی، علی ترابی، هوشنگ ظریف، داود گنجه‌ای، محمد سریر، کامبیز روشن روان، حمیدرضا نوربخش

سی امین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۳): معاون هنری وزیر ارشاد: علی مرادخانی / مدیر دفتر موسیقی: پیروز ارجمند / دبیر جشنواره: حسن ریاحی / شورای سیاستگذاری دوره سی ام: علی مرادخانی، حسن ریاحی، پیروز ارجمند، علی ترابی، محمد سریر، شاهین فرهت، فریماه قوام صدری، هوشنگ کامکار، داود گنجه‌ای، عبدالحسین مختاباد، جلال مشفق، حمیدرضا نوربخش

سی و یکمین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۴): معاون هنری وزیر ارشاد: علی مراد خانی / مدیر دفتر موسیقی: فرزاد طالبی / دبیر جشنواره: حسن ریاحی – رییس جشنواره: حمید رضا نوربخش

سی و دومین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۵): معاون هنری وزیر ارشاد: علی مرادخانی / مدیر دفتر موسیقی: فرزاد طالبی / مدیر یا دبیرجشنواره: حمیدرضا نوربخش / شورای سیاستگذاری دوره سی و دوم: علی مرادخانی، فرزاد طالبی، حسن ریاحی، محمد سریر، داود گنجه‌ای، هوشنگ کامکار، فریدون شهبازیان، حمیدرضا نوربخش، سید محمد میرزمانی، سید حمیدرضا شاهنگیان و حسام‌الدین سراج

سی و سومین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۶): معاون هنر وزیر ارشاد: علی مرادخانی / مدیر دفتر موسیقی: فرزاد طالبی / دبیر جشنواره: حمیدرضا نوربخش / شورای سیاستگذاری دوره سی و سوم: داود گنجه‌ای، حسن ریاحی، محمد سریر، سید محمد میرزمانی، مسعود شعاری، فرزاد طالبی

سی و چهارمین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۷): معاون هنری وزیر ارشاد: سید محمد مجتبی حسینی / مدیر دفتر موسیقی: علی ترابی / دبیر جشنواره: شاهین فرهت / شورای ارزیابی دوره سی و چهارم: داود گنجه‌ای، محسن رجب پور (نماینده مجمع ناشران موسیقی)، عین الله کیوانشکوه (نماینده انجمن هنرمندان موسیقی)، مینا افتاده، فردین خلعتبری، امین مویدی

سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۸): معاون هنری وزیر ارشاد: سید محمد مجتبی حسینی / مدیر دفتر موسیقی: محمد اله یاری فومنی / دبیر جشنواره: شاهین فرهت / شورای ارزیابی دوره سی و پنجم: محمد سریر، داود گنجه‌ای، زیدالله طلوعی، سید امین مویدی، محسن رجب پور، علی اطیابی (نماینده انجمن هنرمندان موسیقی)، حمید قبادی (نماینده معاونت هنری)

سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر (۱۳۹۹): معاون هنری وزیر ارشاد: سید محمد مجتبی حسینی / مدیر دفتر موسیقی: محمد اله یاری فومنی / دبیرجشنواره: حسن ریاحی / شورای سیاستگذاری دوره سی و ششم: مجید کیانی، حسن ریاحی، شاهین فرهت، نادر مشایخی و محمد اله یاری مدیرکل دفتر موسیقی

سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر (۱۴۰۰): معاون هنری وزیر ارشاد: سید محمد مجتبی حسینی / مدیر دفتر موسیقی: محمد اله یاری فومنی / دبیر جشنواره: حسن ریاحی / شورای سیاستگذاری دوره سی و هفتم: مجید کیانی، داود گنجه‌ای، حسن ریاحی، شاهین فرهت، احمد صدری و محمد الهیاری (مدیرکل دفتر موسیقی)

چرا «بچه مهندس ٤» افت کرد؟

عباس جمشیدی‌فر بازیگر سریال «بچه مهندس» درباره شرایط کاری خود در این سریال که ماه رمضان پخش شد گفت: چون کار من با دو پروژه دیگر تداخل داشت دوستان هماهنگی کردند و سکانس‌های مورد نظر زودتر گرفته و کارم هم زودتر تمام شد. با این حال در مدت اخیر در یک ترافیک کاری بودم و از قبل از اینکه بچه مهندس شروع شود تا بعد از آن، سر کار بودم.

بازیگر «بچه مهندس» درباره فعالیت پروژه‌ها در شرایط کرونا عنوان کرد: به هر حال کرونا بلای جان دنیا شده است نه تنها در کشور ما بلکه در همه جا اینگونه بود. مشاغلی را هم تحت تاثیر قرار داده است.

وی اضافه کرد: ما در رسانه باید مشغول می‌بودیم و نمی‌شد کار را تعطیل کرد اما در میان فیلم، سریال و تئاتر، تئاتر خیلی ضربه خورد، چون مظلوم تر از همه است خیلی از بازیگران و کارگردانان تئاتر بی‌کار هستند. هیچ کسی هم از آنها نمی‌پرسد حالشان چطور است. اینها وارد سینما یا سریال سازی هم نشدند شاید چون رابطه‌ای نداشتند یا کسی آن‌ها را نمی‌شناسد و امیدوارم کرونا هرچه زودتر تمام شود تا بتوانند به صحنه بازگردند.

وی درباره رعایت پروتکل‌ها سر پروژه‌ها اظهار کرد: سریالی مثل «بچه مهندس» که بنا بوده است در رمضان پخش شود فیلمبرداری آن حتی یک روز تعطیل نشد و در اوج کرونا بچه‌ها کار می‌کردند با این حال در سه پروژه‌ای که کار می‌کردم خدا را شکر کسی درگیر نبود.

این بازیگر افزود: من از پروژه‌های دیگر خبر ندارم ولی سر پروژه‌هایی که مشغول بودم و هستم پروتکل‌ها با جدیت رعایت می‌شود، کسی حق ندارد بدون ماسک وارد لوکیشن شود الا وقتی جلوی دوربین هستند و یا بازیگری که گریم دارند.

وی در پاسخ به اینکه چرا کیفیت سریال «بچه مهندس» در این فصل پایین‌تر آمده بود هم بیان کرد: تلویزیون سفارشی به تهیه‌کننده می‌دهد و طبیعتاً تهیه‌کننده باید قبول کند. به هر حال نویسنده این سریال سه فصل را با موفقیت نوشته و حالا می‌بایست برای فصل چهارم قصه جدیدی را ایجاد می‌کرد. اتفاقاتی هم گریبانگیر کار شد بازیگر اصلی سر کار دیگری بود مشغله کاری‌اش اجازه نداد در این کار بازی کند. البته نه اینکه محمدرضا رهبری بازیگر نقش جواد جوادی بازی خوبی نداشت یا کم کاری کرد اما مخاطب تا عادت کند به فرم جدید کمی طول می‌کشد.

جمشیدی‌فر اضافه کرد: فکر می‌کنم بیشتر انتقاداتی هم که مطرح شده بود درباره باورپذیری مخاطب نسبت به کلیت ماجرا بود و به نظرم قصه فصل چهارم «بچه مهندس» بد نبود، نمی‌توانم بگویم از فصل یک و دو و سه قوی‌تر بود ولی نمی‌توانم هم بگویم خیلی ضعف داشت.

وی درباره چالش‌های کار در یک فشردگی زمانی بیان کرد: از آنجایی که قرار بود در پروژه دیگری حضور پیدا کنم کار من در ۲۰ روز تمام شد و البته خود سریال هم با یک فشردگی زمانی پیش رفت و دو اکیپ از صبح تا عصر و بعد عصر تا شب مشغول کار بودند. من ۱۰ شب را اصلاً به خانه نرفتم و ۲۰ روز، روزی ۲ ساعت می‌خوابیدم.

وی درباره تاثیر برنامه‌ریزی برای زمان بیشتر تولید و ارتقای کیفیت و انرژی بیشتر عوامل گفت: یک سری برنامه‌ریزی‌ها شاید دست تهیه کننده نیست و به مسایل مختلفی برمی‌گردد. قطعاً فشردگی و خستگی مزید بر علت است و شاید برخی جاها کیفیت یک کار پایین بیاید، در همین کار تلاش شد این اتفاق رخ ندهد چون احمد کاوری کارگردان به شدت سخت‌گیری است. به هر حال نمی‌توان گفت این خستگی باعث یک سری ضعف‌ها نشد چون همه گروه خسته بودند و تعطیلی نداشتند. پروژه‌ها معمولاً ۱۰ روز به ۱۰ روز یک تعطیلی ۲۴ ساعته دارند ولی ما همان را هم نداشتیم. البته بخشی هم از طرف خود بازیگران مثل خود من بود و نمی‌توان همه مشکلات را به گردن تهیه کننده یا فشار تلویزیون انداخت.

این بازیگر که این روزها در سریال «زخم کاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان حضور دارد، درباره این سریال و فضای آن نیز بیان کرد: کار مهدویان کاری کاملاً جدی است و کمدی ندارد و نقش من هم کاملاً جدی است.

وی درباره دومین همکاری خود با مهدویان عنوان کرد: همکاری با مهدویان هم برای بازیگر آموزنده است و هم خوش می‌گذرد چون به شدت باهوش و خلاق و ریزبین و در عین حال سختگیر است. بازیگری که هم سر کار مهدویان است هم از این سخت‌کوشی استفاده می‌برد و هم از هوش او می‌آموزد.

جمشیدی‌فر در پایان درباره نقش خود نیز توضیح داد: کار در این فضا برای من چالشی‌تر و سخت‌تر از سایر کارهایم بود و تا یک ماه و نیم آینده در این پروژه حضور دارم.

یک فنجان چای داغ

به بهانه اکران فیلم «یاغی»؛

وقتی «فمینیسم» ابزار دست هالیوود می‌شود

فیلم اکشن / اسلشر و پرضرب و آهنگ «یاغی»، اکران شده در اوت ۲۰۲۰ در ایالات متحده، فیلمی درجه ب و تکراری است که از تزریق قدرت غران زنانه به آن کمک شایانی می‌گیرد. روایت فیلم باظرافت یا باملاحظه ویژه‌ای رقم نمی‌خورد، اما دقیقاً در نتیجه همین مسئله، فیلم با صداقت عجیبی نگاه هالیوود به قدرت‌یابی فمینیسم را نمایش می‌دهد. مگان فاکس نقش یک مزدور خفن را بازی می‌کند که به مخاطب به‌عنوان یک شخصیت زن قوی ارائه می‌شود؛ زیرا مشابه مردان، به خارج از کشور رفته و به تعدادی انسان سیاه‌پوست و قهوه‌ای‌پوست شلیک می‌کند.

فمینیسم و کلونیالیسم (استعمارگری) در فیلم‌های اکشن از نظر ایدئولوژیک در هم تنیده هستند. لازمه وجود پروتاگونیست زن در یک روایت اکشن، این است که آن شخصیت یک منجی سفیدپوست، یا یک سفیدپوست قدرتمند همانند کلیشه‌ای که در تارزان داریم، یا در حالت ایدئال، هر دوی این‌ها باشد.

مگان فاکس در نقش سَم، رهبر یک گروه مزدور است که وظیفه دارند آسیلیا (با بازی جسیکا ساتون) را نجات دهند. یک گروه قاچاقچی انسان آسیلیا را دزدیده‌اند، به این امید که بتوانند از او به‌عنوان اهرم فشاری بر پدرش که فرماندار آن منطقه است استفاده کنند. در این مسیر سَم تصمیم می‌گیرد دو دختر دیگر را نیز نجات بدهند و در نتیجه از نقشه‌شان منحرف شده و در یک مزرعه متروکه شیر پناه می‌گیرند. سَم مجبور می‌شود با تروریست‌های قاچاقچی و یک ماده شیر یاغی مبارزه کند، و در این میان همزمان با دفاع از اقتدار خود در برابر چالش‌های موجود، این نکته را نیز تثبیت می‌کند که «آدمکش‌های واقعی، جنس مؤنث هستند.»

فاکس مثل بسیاری از زنان دیگر هالیوود، در سال‌های اخیر درباره جنسیت‌زدگی و زن‌ستیزی در این صنعت صحبت کرده است. در فیلم «پسران بد ۲»، از او که در آن زمان ۱۵ سال داشته، خواسته شده که در نقش سیاهی‌لشکر، بیکینی و کفش پاشنه بلند ۳۰ سانتی بپوشد. بعدتر، در سر صحنه فیلم‌های «تبدیل‌شوندگان»، مایکل بی کارگردان فیلم بدون هیچ توصیه فنی مربوط به بازیگری به او گفته: «فقط سکسی باش». به نظر می‌رسد فیلم «یاغی» با سکانداری یک کارگردان زن به نام ام. جِی. باست، تاحدودی پاسخی به رفتارهای تحقیرآمیز و نگاه‌های جنسی کارگردانان مرد نسبت به او در گذشته است. او در تمام مدت فیلم، همواره در لباس جنگی است و حتی گرد و اثری از یک داستان فرعی رمانتیک نیز برای شخصیت او نمی‌بینیم. برخلاف نگاه مایکل بی، او صرفاً یک وسیله تزئینی پوچ و تهی نیست؛ بلکه او شایسته، پرجاذبه، متکی به خود، و قهرمان بلامنازع فیلم است.

البته سَم فقط بخاطر شخصیت کم‌حرف و انزواطلبش قهرمان نیست. او همچنین به این خاطر قهرمان است که زنان سفیدپوست را از دست آفریقایی‌های خطرناکی که آن‌ها را به شکنجه و خشونت جنسی نامشخص اما مسجل تهدید می‌کنند، نجات می‌دهد.

بطور خلاصه، فیلم با زمختی تمام کلیشهٔ فرهنگی «زن سفیدپوست بی‌گناه، و مرد قهوه‌ای و سیاه‌پوست خطرناک» را مورد تقویت و حمایت قرار می‌دهد. در گذشته نیز از این روایت‌ها به منظور توجیه اعدام‌های فراقانونی (لینچ کردن) و خشونت‌های نژادپرستانه علیه مردمان سیاه‌پوست استفاده شده است؛ سیاه‌پوستانی نظیر اِمِت تیل ۱۴ ساله که به خطا به سوت زدن برای یک زن سفیدپوست متهم شد، یا پرونده «سنترال پارک» در ۱۹۸۹ که در آن پنج سیاه‌پوست به اتهام تجاوز به یک زن سفیدپوست به خطا محکوم شدند. هالیوود هنوز از تصاویر قاچاقچیان و تجاوزکاران مرد سیاه‌پوست و قهوه‌ای‌پوست برای توجیه خشونت افراطی استفاده می‌کند؛ همانند آنچه در «ربوده شده» (۲۰۰۸) یا دنباله اخیر و بسیار ضعیف مجموعه رمبو به نام «رمبو: آخرین خون» (۲۰۱۹) دیده‌ایم. با پیروی از همین سنت، در بخش اعظم «یاغی» نیز شاهد آن هستیم که سم به کشتارهای فراقانونیِ مردان رنگین‌پوستی دست می‌زند که در حال آزار و اذیت دختران سفیدپوست هستند.

در پایان فیلم، دیگر شخصیت‌ها سَم را با شیری مقایسه می‌کنند که در حال محافظت از بچه شیرهایش است؛ در آخرین صحنه فیلم، متن یک آگهی اطلاع‌رسانی در مورد شرارت‌های شکار غیرقانونی و مزرعه‌داری شیر نمایش داده می‌شود. غلبه خونین سم بر مردان آفریقایی، عملاً قدرت و درندگی به او داده که از نظر تاریخی با آفریقا مرتبط است، و فیلم با ارائه روایت مستقیم استثمارگرانه خود به‌عنوان مداخله در جهت حقوق حیوانات مورد تأکید قرار می‌دهد. حتی در یک صحنه، سم مردی آفریقایی را نجات داده و به او اطمینان می‌دهد که مرد شده است. سم داور سنت‌های فرهنگی سیاه‌پوستان و منجی حیات وحش آفریقاست؛ حیات وحشی که آفریقایی‌های خودخواه و کوته‌نظر در این مزارع قدردانش نیستند. مثل تارزان، آلن کواترمین، فانتوم، یا دیگر قهرمانان استعمار، سفیدپوست بودن سم به او امکان می‌دهد تا قدرت، نگهبانی، و اصالت آفریقا را کامل‌تر و اخلاق‌مدارانه‌تر از خود سیاه‌پوستان آفریقا ظهور و بروز بدهد.

قدرت‌یابی سم بواسطه تصرف امپریالیستی بطرز عجیبی مستقیم بوده، اما منحصر به فرد نیست. بسیاری از منتقدین اشاره کرده‌اند که دو فیلم ابرقهرمانی برجسته که نقش اصلی‌شان زنان هستند - زن شگفت‌انگیز (۲۰۱۷) و کاپیتان مارول (۲۰۱۹) - همچنین از عناصر رمزی و غیرمستقیم امپریالیستی و میلیتاریستی (نظامی‌گرایانه) به نفع قدرت‌یابی فمینیسم استفاده می‌کنند. زن شگفت‌انگیز، با لباسی قرمز، سفید، و آبی، در کنار دوست‌پسر آمریکایی‌اَش که خلبان جنگنده است اخلاق‌مدارانه در جنگ جهانی اول برنده می‌شود و گروهی از مردمان اروپا با نژادهای گوناگون را نجات می‌دهد. کاپیتان مارول، که خودش پیش‌تر خلبان جنگنده بوده، از قتل عام موجوداتی خزنده‌صورت و تغییرشکل‌دهنده به نام اسکرول‌ها - شبیه به کلیشه‌های ضدیهودی دارد - به دست یک نژاد نظامی‌گر درنده، جلوگیری می‌کند. در این فیلم‌ها زنان سفیدپوست از طریق مرتبط شدن با مداخله نظامی آمریکا، بصورت رمزی و غیرمستقیم قهرمان معرفی می‌شوند. این زنان، قوی، مستقل، پرجاذبه، و خوب هستند، زیرا افراد ضعیف‌تر را نجات می‌دهند.

روایت‌هایی که از نژادپرستی و استعمارگری به منظور باد کردن زن سفیدپوست قهرمان استفاده می‌کنند، بطور ویژه‌ای مستقیم و زمخت هستند، زیرا ما مخاطبان به دیدن قدرت‌یابی زنان در اکشن‌های هالیوودی به این نحو عادت نداریم. اما آن‌ها صرفاً همان داستان‌های معمول قهرمانان سفیدپوست مرد را به قهرمانان زن‌شان نیز می‌دهند.

مجموعه «جیمز باند»، قهرمانش را به مناطق دور دست می‌فرستد تا او بتواند مردان ترش‌رو و اغلب غیرسفیدپوست را بکشد و با زنان اغلب غیرسفیدپوست و شگرف همبستر شود. (قدرت‌یابی مردانه در فیلم‌های اکشن نسبت به قدرت‌یابی زنانه بطور قابل توجهی بیشتر شامل هرزگی‌های جنسی می‌شود). تونی استارک جنگ‌سود (با بازی رابرت دائونی جونیور) در «مرد آهنی» (۲۰۰۸) با سفر به افغانستان، و استفاده از ابر زره خود برای نجات افغان‌های خوب و کشتن افغان‌های بد، حسن نیت قهرمانانه خودش را نشان می‌دهد. او عملاً یک پهپاد اخلاق‌مدار است. و در فیلم «استخراج»، شخصیت کریس همزوورث، راهش را در بنگلادش با کشت و کشتار باز می‌کند، و برتری او با تصاویر پر از جنازه در خیابان‌ها و صحنه‌های مختلف مورد تأکید قرار می‌گیرد.

سازمان ملی استاندارد ایران

اطلاعیه
سازمان ملی استاندارد ایران

برمبنای مصوبات هشتادوهشتمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۵ انواع آب میوه بسته بندی شده باشماره استانداردهای مربوطه مشمول مقررات استاندارد اجباری می‌باشد. استاندارد ملی ایران به شماره ۲۰۱۲۹ تحت عنوان آب تمشک تغلیظ شده - ویژگی ها و روش های آزمون در یک هزار و چهارصد ونود وسومین اجلاسیه کمیته ملی مربوطه به تصویب رسیده است. مراتب جهت اطلاع عموم و توجه به الزامات قانونی آگهی می گردد.

الزامات قانونی:
الف: شروع اجرای اجباری استاندارد مذکور سه ماه پس از انتشار آگهی روزنامه رسمی می باشد.
ب: نشانه گذاری فرآورده هایی که استاندارد آنها اجباری شده باعلامت استاندارد الزامی است وتولید، تمرکز، توزیع وفروش این فرآورده ها باکیفیت پایین تر از استاندارد و یا بدون علامت استاندارد ایران ممنوع می باشد.
ج: علامت گذاری فرآورده مشمول استاندارد اجباری مستلزم دریافت پروانه کاربرد علامت استاندارد می باشد.
د: اعطا، پروانه کاربرد علامت استاندارد به واحد های تولیدی منوط به تامین شرایط عمومی تولید و انطباق کیفیت فرآورده با استاندارد ملی مربوط می باشد.
ه: رعایت کلیه مقررات استانداردهای اجباری وسایر قوانین ومقررات جاری در مورد کالاهای وارداتی الزامی می باشد و کیفیت مواد و کالاهای وارداتی برحسب ضرورت و اولویت وتوجه به مسائل سلامت، ایمنی، بهداشتی، زیست محیطی واقتصادی باید با استانداردهای ملی و یا استانداردهای معتبر و ضوابط فنی مورد قبول سازمان منطبق باشد.
صادرات فرآورده های مشمول اجرای استاندارد اجباری منوط به صدور گواهی انطباق بر اساس استاندارد تعیین شده توسط کشور هدف یا استانداردهای بین المللی مورد قبول طرفین و یا مشخصات فنی اظهار شده توسط مراجع قانونی و یا ذیصلاح کشور هدف و یا صدور گواهی انطباق